درس 21

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (مزمور 31، 32، 33، 34)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
دو به دو مرور كنيد. روميان 3:5-4.

4 تعليم (90 دقيقه)
جاي بالا در ضيافت‌ها و فريسي و باجگير
مثل «جاي بالا در ضيافت‌ها» (صدر مجلس) در لوقا 14:8-11 و مثل «فريسي و باجگير» در لوقا 18:8-11 مثل‌هايي هستند در بارة «فروتني در ملكوت خدا».
مَثَل «داستاني است زميني با معنايي آسماني»؛ يا «توضيحي است مبتني بر امور واقعي زندگي به‌منظور تعليم حقيقتي روحاني.» عيسي از وقايع عادي و روزمره زندگي انسان استفاده مي‌كرد تا اسرار ملكوت خدا را روشن سازد و مردم را با واقعيت وضعيتشان و نيازشان به احيا روبرو سازد.
اين مثل را با استفاده از شش رهنمود مربوط به مطالعة مثل‌ها (ر.ش. ضميمه 1) بررسي خواهيم كرد.

الف- مَثَل جاي بالا در ضيافت‌ها

قرائت: لوقا 14:1-14

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني را تشريح كنند. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخيِ داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
اين مَثَل بصورت اندرز مي‌باشد.

الف) جاي بالا (صدر مجلس). هر مملكتي آداب معاشرت خاص خود را دارد. آداب و رسوم قرارگيري ميهمانان در يك مجلس عروسي در اسرائيل بسيار دقيق بود. در خانه‌ها معمولاً يك ميز وجود داشت، اما در مجلس عروسي، بر حسب تعداد ميهمانان، تعداد بيشتري ميز مي‌چيدند. در آن روزگار، مردم روي صندلي نمي‌نشستند، بلكه بر روي تختهاي مخصوص، نيم‌خيز تكيه مي‌دادند. سه تخت دور يك ميز كم‌ارتفاع به شكل U مي‌چيدند. بر روي هر تخت سه نفر مي‌توانستند بر آرنجِ چپ خود تكيه كنند، در حاليكه سرشان بطرف ميز بود و پاهايشان بطرف بيرون تخت آويزان بود. از دست راستشان نيز براي خوردن استفاده مي‌كردند. در نظر مردم اسرائيل، هر يك از اين نُه جا بر روي سه تختي كه دور يك ميز بود، از اهميت متفاوتي برخوردار بود و يكي از آنها «صدر» (بالاي مجلس) به‌حساب مي‌آمد.
سه جا كه از همه مهم‌تر بود، روي تخت وسطي در قسمتِ پايينيِ شكل U بود. از ميان اين سه جا نيز، جاي وسط بالاترين جا بود. دومين شخص مهم در سمت چپ مهم‌ترين ميهمان مي‌نشست و سومين شخص مهم نيز در سمت راست او. دومين تخت مهم (كه بر روي آن نيز سه نفر تكيه مي‌دادند)، تختي بود كه در سمت چپ تخت وسطي قرار داشت. باز هم در اينجا، جاي وسطي بر روي تخت، از آنِ چهارمين ميهمان مهم بود، و پنجمين و ششمين ميهمانانِ مهم به‌ترتيب در سمت چپ و راست او مي‌نشستند. كم اهميت‌ترين جا، تخت سمت راست بود. جاي وسطي بر روي اين تخت، از آنِ هفتمين ميهمان مهم بود، و بر دست چپ و راست او، به‌ترتيب هشتمين و نهمين مهمانانِ مهم مي‌نشستند.
ب) تعيين جاها. ميزبان كه اغلب صاحبِ خانه بود، تعيين مي‌كرد كه هر يك از ميهمانان كجا بنشينند. عيسي اندرز داد و فرمود: «چون كسي تو را به عروسي دعوت كند، در صدر مجلس منشين... بلكه چون

ميهمان كسي باشي، رفته در پايين بنشين.» در بخش نخست داستان، ميهماني را مي‌بينيم كه در جايي نشست كه براي او تعيين نشده بود. آن جا براي كس ديگري بود كه ميزبان او را مهم‌تر به‌شمار مي‌آورد. پس وقتي ميزبان ماجرا را ديد، آمد و به شخص غاصب گفت: «اين كس را جاي بده»، (به بياني ساده‌تر: "جايت را به اين شخص بده"). ميهمان پرمدعا كه از اين رسوايي علني عميقاً شرمسار و تحقير شده بود، مي‌بايست جاي خود را تخليه كرده، در پايين‌ترين جا بنشيند. او مي‌بايست در پايين‌ترين جاي موجود بنشيند، زيرا تا آنموقع ديگر همه جاها اشغال شده بود. يا اگر هم هنوز جاي خالي وجود داشت، او قطعاً ديگر حاضر نبود براي بار دوم تحقير شود. بخش دوم داستان، همين ميهمان را مي‌بينيم كه در پايين‌ترين جا نشست. پس وقتي ميزبان ماجرا را ديد، آمد و به اين ميهمانِ فروتن گفت: «اي دوست، برتر نشين!» او كه در حضور همه ميهمانان سرافراز شده بود، بر سر جاي خود نشست.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيينِ عناصر آن

مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.

كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:

الف) زمينه اين مثل در لوقا 14:1-7 يافت مي‌شود.

1- نهار مهم سَبَّت. عيسي بارها بر سر سفره فريسيان نشسته بود (لوقا 7:36؛ 11:37؛ 14:1). اين بار او را دعوت كرده بودند تا در نهارِ مهمِ روز سبت شركت كند. طبق مقررات سخت فريسيان براي روز سبت، تمامي تدارك اين ميهماني روزَ قبل ديده مي‌شد. نمي‌دانيم عيسي را چرا دعوت كرده بودند، اما كتاب‌مقدس مي‌فرمايد كه ساير ميهمانان شديداً مراقب او بودند. هدف از دعوت عيسي احتمالاً اين بود كه اين فريسي به‌همراه ساير فريسيان و فقيهاني كه دعوت شده بودند، در صدد بودند علتي براي محكوم كردن او بيابند. حتي شايد مرد مبتلا به استسقا (ورم ناشي از آب‌آوردگي) را نيز خودشان به آنجا آورده بوده باشند تا عيسي را وسوسه كنند كه در روز سبت شفا دهد. اما اين را با اطمينان نمي‌توان گفت، زيرا در آن روزگار عادي بود كه مردمِ محله بدون دعوت وارد ميهماني ثروتمندان شوند (لوقا 7:37-38). عيسي ابتدا از آن فريسيان و فقيهان پرسيد: «آيا در روز سبت شفا دادن جايز است؟» هيچكس مايل نبود به او پاسخ دهد. پس عيسي آن بيمار را شفا بخشيد و روانه‌اش كرد. آنگاه بار ديگر از فريسيان و فقها پرسيد: «كيست از شما كه الاغ يا گاوش روز سبت در چاهي افتد و فوراً آن را بيرون نياورد؟» اين بار هيچكس نتوانست جواب عيسي را بدهد، زيرا هيچيك مايل نبود بپذيرد كه اشتباه مي‌كند.

2- تلاش وقيحانه براي جاي بالا. پس از آنكه عيسي آن مرد بيمار را شفا بخشيد، ميهمانان شروع كردند به اشغال جاي خود دور ميز. اما منتظر نماندند كه ميزبان جايشان را برايشان تعيين كند. آنان مي‌كوشيدند بالاترين جاي ممكن را اشغال كنند! اين امر كاملاً تجاوز از آداب و رسومِ شركت در ميهماني بود! در اينجا بود كه عيسي مَثَل «جاي بالا در ضيافت‌ها» را بيان فرمود.

ب) داستان اين مثل در لوقا 14:8-10 آمده است.

ج) توضيح يا كاربردِ اين مثل در لوقا 14:11 يافت مي‌شود. عيسي تعليم داد كه «هر كه خود را بزرگ سازد ذليل گردد، و هر كه خويشتن را فرود آرد سرافراز گردد.»

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل

تعليم: عيسي براي هيچيك از جزئيات، معناي خاصي قائل نمي‌شود.

4- تشخيص پيام اصلي مثل

مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مَثَل «جاي بالا در ضيافت‌ها» در لوقا 14:8-11 در بارة «فروتني در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد.

پيام اصلي اين مثل اين است: «هر كه خود را بزرگ سازد ذليل گردد، و هر كه خويشتن را فرود آرد سرافراز گردد.»

«فروتني» يكي از خصوصيات اساسي در ملكوت خدا است! در چارچوب اين مثل، مي‌بينيم كه عيسي فروتن است. او مايل است با كساني كه اغلب با او دشمني داشتند، همنشيني داشته باشد. فيليپيان 2:5-11 تعليم مي‌دهد كه عيسي مسيح در مقام الهي، خود را فروتن ساخت تا طبيعت انساني بگيرد، و غلام انسانها شود و حتي براي گناهكاران بميرد. بنابراين، آناني كه عيسي را پيروي مي‌كنند، يعني شهروندان واقعي ملكوت خدا نيز خود را فروتن مي‌سازند. ايشان تقلا نمي‌كنند كه به مقام رهبري و جاهاي بالا برسند، بلكه با فروتني ديگران را بهتر از خود مي‌شمارند (فيليپيان 2:3-4). در بخش كاربرد اين مثل، مي‌آموزيم كه خدا خودش آن كسي است كه مردمان متكبر را فروتن مي‌سازد و مردمان فروتن را سرافراز.

5- مقايسة مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس
مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجـود در تمـام مثل‌هـا بـا حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتاب‌مقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يـا تضـاد. سـعي كنيـد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثـل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.
قرائت: 1) دانيال 4:29-37؛ 2) اعمال 12:21-23؛ 3) اول قرنتيان 15:9-10؛ دوم قرنتيان 12:9-12؛ افسسيان 3:7-9؛ اول تيموتاؤس 1:15-16؛ 4) امثال 25:6-7؛ 26:12؛ اشعيا 2:6-22؛ 14:12-15؛ 57:15؛ 5) متي 18:4؛ 20:25-28؛ 23:8-12؛ لوقا 22:27؛ يوحنا 13:1-15؛ فيليپيان 2:1-8؛ يعقوب 4:6؛ اول پطرس 5:5-6؛ 6) لوقا 14:12-14.
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در اين مثل مقايسه كرد؟
يادداشتها:
1- نبوكدنصر نيرومندترين پادشاه عصر خود بود. او بر امپراطوري بزرگي حكومت مي‌كرد و كارهـاي بزرگي انجام داده بود. اما وقتي از موفقيت‌هاي خود مغرور شد، خدا دخالت كرد و او به سطح زندگي يك حيوان تنزل نمود. هر كه خود را بزرگ سازد، حقير خواهد شد! امـا سـالها بعـد، وقـتي خـدا را جلال داد و تكريم كرد، سلامتي خود را باز يافت، تاج و تخت خود را نيز باز يافت و حتي بزرگتر از گذشته گرديـد. هـر كه خود را فروتن سازد سرافراز خواهد گرديد!
2- هيروديس پادشاه در عصر خود فرمانرواي مهم يا بزرگي نبود. بااينحال، طوري رفتار مي‌كـرد كـه گويي پادشاهي مهم و بزرگ است. وقتي مردم در بارة او طوري سخن گفتند كه انگار او خداست، ايشان را ساكت نكرد و خدا را نيز جلال نداد. به همين سبب، يكي از فرشتگان خدا او را زد، و حتي پيش از آنكه بميرد، كرمها او را خوردند. هر كه خود را بزرگ سازد، حقير گردد!
3- پولس رسـول خـود را «كمـترين رسـولان»، «كوچكـترين فـرد از ميـان قـوم خـدا»، «بزرگـترين گناهكاران»، و حتي «هيچ» به‌حساب مي‌آورد. او همواره خود را كوچك مي‌كرد (غلاطيـان 2:20؛ 6:14). بااينحال، فيض خدا در زندگي او بسيار بزرگ بود. فيض خدا سبب شد كه او سخت‌تر از همه رسولان كـار كند (اول قرنتيان 15:10). بدينسان، صرفنظر از مقـام شـخص، فروتـني در حـالت قلـبي فـرد مشـاهده مي‌شود، و همچنين در طرز تفكر او نسبت به خودش و ديگران، و در رفتارش با ديگران.
4- عهدعتيق بخشهاي بسياري دارد كه ضرورت فروتني در شهروندان ملكوت خـدا را تعليم مي‌دهـد؛ عيسي مسيح به‌هنگام بيان اين مثل، به احتمال زياد امثال 25:6-7 را مد نظر داشته است كه مي‌فرمايد: «در حضور پادشاه خويشتن را برميفراز و در جاي بزرگان مايست، زيرا بهتر اسـت تـو را گفتـه شـود كـه اينجا بالا بيا، از آنكه به حضور سَروَري كه چشمانت او را ديده است، تو را پايين برند.» اشـعيا 14:12-15 سقوط پادشاه بابل را در قالب سقوط شيطان بيان مي‌دارد. آنان هر دو مي‌خواستند ماننـد خـدا باشـند و هر دو بخاطر تكبرشان سقوط كردند. امثال 26:12 مي‌فرمايد: «آيا شخصي را مي‌بيني كه در نظـر خـود حكيم است؟ اميد داشتن بر احمق از اميد بر او بهتر است.» اشعيا 57:15 تعليم مي‌دهد كـه خداونـد كـه در مكان عالي و بلند ساكن است، با كساني نيز زنـدگي مي‌كنـد كـه روحيه‌اي پشـيمان و افتـاده دارنـد!» همچنين اشعيا 2:6-22 هشدار مي‌دهد كه در روز خداونـد يعـني در روز داوري نهـايي، به‌هنگـام بازگشـت عيسي مسيح، تكبر انسان پايين آورده خواهد شد و غرور او خواهد شكست، و در آن روز فقط خداوند بر افراشته و متعال خواهد بود! بدينسان، فروتني، هم در رفتار شخص متجلي مي‌شود و هم در تصـوري كـه از خويشتن دارد.
5- عهدجديد بخشهاي بسياري دارد كه ضرورت فروتني در شهروندان ملكوت خـدا را تعليم مي‌دهـد؛ متي 18:4 مي‌فرمايد: «هر كه مثل اين بچة كوچك، خود را فروتن سازد، همان در ملكوت آسمان بزرگتر است.» متي 20:25-28 مي‌فرمايد كه فرمانروايان در اين جهان بر مردم سَـروَري كـرده، بـر زيردسـتان خود اِعمال قدرت مي‌كنند، اما رهبران كليسا بايد خدمتگزار مـردمي باشـند كـه تحت توجـه ايشـان قـرار دارند. متي 23:8-12 مي‌گويد كه فريسيان و علماي دين يهود خوش دارند «استاد، پدر، يا معلم» خوانـده شوند، اما مسيحيان بايد تصميم بگيرند كه «خـدمتگزار» باشـند. لوقـا 22:27 نشـان مي‌دهـد كـه عيسـي خودش همواره در ميان مردم، خدمتگزار بـود! و اول پطـرس 5:5 هشـدار مي‌دهـد كـه خـدا بـا متكـبران مخالفت مي‌كند، اما بـه فروتنـان فيض مي‌بخشـد! بدينسـان، فروتـني خصوصـاً در سـمت‌هاي رهـبري در حكمفرمـايي نكـردن بـر مـردم و خـدمتگزاري كـردن بـه ايشـان متجلي مي‌شـود، خـدمتگزاري كـردن بـا استعدادها و عطيه‌هايي كه خدا به هر يك از ايمانداران سپرده است.
6- در لوقا 14:1-14، عيسي نه فقط براي ميهمانان درسي بيان كرد، بلكه براي ميزبان نيز. فرمود: «وقتي كه چاشت يا شام دهي، دوستان يا برادران يا خويشان يا همسايگان دولتمند خـود را دعـوت مكن، مبادا ايشان نيز تو را بخوانند وتو را عوض داده شود. بلكه چون ضيافت كني، فقـيران و لنگـان و شـلان و كوران را دعوت كن كه خجسته خواهي بود زيرا ندارند كه تو را عوض دهند و در قيامت عادلان به تو جـزا عطا خواهد شد» (لوقا 12:14-14). عيسي تعليم مي‌دهد كه بسيار مهم است كه شهروندان ملكوتش با طبقات محروم جامعه‌شان معاشرت داشته باشـند ! اگـر ثروتمنـدان فقـط بـا ثروتمنـدان مـراوده داشـته باشند، و تحصيل‌كرده‌ها با تحصيل‌كرده‌ها، و متنفذين با متنفذين، پس بر بقيه جامعه چـه روي خواهـد داد؟ يك خصوصيت مهم شهروندان واقعي ملكوت خدا ميهمان‌نوازي ايشان است (روميان 12:13). يكي ديگر از خصوصيات مهم شهروندان واقعي ملكوت خـدا، محبت فرارونـدة ايشـان نسـبت بـه بـرادران و سـاير مردم از هر جاي دنيا، و مراوده ايشان با اين افـراد مي‌باشـد (مـتي 25:34-40). لـذا فروتـني از طريـق

مراوده و ارتباط با محرومان جامعه، و نشان دادن محبت فراونده نسبت به مسيحيان محروم در جهان، و ميهمان‌نوازي كردن متجلي مي‌گردد.

مَثَل فريسي و باجگير

قرائت: لوقا 18:9-14

1- درك داستان طبيعيِ مَثَل

بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

يادداشتها:

الف) دو مرد. معبد (هيكل) مكاني بود براي هر نوع فعاليت مذهبي. در آنجا جلسات مذهبي عمومي تشكيل مي‌شد و همچنين افراد به تنهايي براي تقديم قرباني و دعا مي‌آمدند. در ميان يهوديان رسم بود كه روزي سه بار دعا كنند (دانيال 6:10). با اطمينان نمي‌توانيم بگوييم كه آيا اين دو نفر براي دعا در ساعات مشخصِ نماز آمده بودند يا نه، ولي اين احتمال هست. مردم عموماً فريسيان را بسيار دين‌دار مي‌دانستند، خودشان نيز در مورد خويش چنين فكر مي‌كردند. يكي از سرگرميهاي مورد علاقه ايشان، دعا در مكان‌هايي بود كه مردم بتوانند ايشان را ببينند (متي 6:5؛ لوقا 20:47).

باجگيران (مأموران جمع‌آوري ماليات) مرد‌ماني طمع‌كار، كلاهبردارِ زورگو، و خائن به‌شمار مي‌آمدند. نظام ماليات در اسرائيل در آن روزگار اينچنين بود. حكومت روم كساني را به‌عنوان «صاحب امتياز» براي جمع‌آوري ماليات تعيين مي‌كرد و به آنان اجازه مي‌داد كه در ازاي پرداخت مبلغ ثابتي در سال، از امتياز دريافت حقوق گمركي از واردات و صادرات و هر كالايي كه از آن منطقه مي‌گذشت برخوردار باشند. ادارات مركزي ماليات، در شهرهاي قيصريه و كفرناحوم و اريحا مستقر بود. اين صاحبان امتياز حقوق خود را به «رؤساي باجگيران»، مانند زكي (لوقا 19:2)، به اجاره مي‌دادند. اين رؤسا مي‌توانستند «باجگيران» عادي را استخدام كنند، مانند لاوي (لوقا 5:27) تا جمع‌آوري ماليات را انجام دهند. اين باجگيران از مردم هر چقدر كه مي‌توانستند پول مي‌گرفتند كه معمولاً مبلغ هنگفتي بود. به همين علت است كه باجگيران به اخّاذي و زورگويي و اجحاف معروف بودند. اگر شخص باجگير يهودي هم بود، خائن نيز به‌حساب مي‌آمد، زيرا با حكومت غاصب و اشغالگرِ بيگانه همكاري مي‌كرد. البته حكومت اشغالگر بيگانه (حكومت روم) باجگيران را مورد حمايت قرار مي‌داد.

ب) دو نفر عبادت‌كننده. آن فريسي ايستاد و مشغول دعا شد. دعا كردن در حال ايستاده، با دستها و چشمان بسوي بالا، مطلقاً امري غيرعادي نبود (اول تيموتاؤس 2:8). او احتمالاً در جايي ايستاد كه همه بتوانند او را ببينند. در ظاهر او به خدا دعا مي‌كرد، اما در باطن او داشت با خودش در بارة خودش صحبت مي‌كرد. در تمام طول دعايش، او داشت از خودش تعريف و تمجيد مي‌كرد. او خود را با سايرين مقايسه مي‌كرد. او خود را با اشخاص واقعاً دينداري مانند سموئيل و داود مقايسه نمي‌كرد، بلكه با مردم واقعاً بد. بخش نخست دعايش شامل چند نفي مي‌باشد. او گفت كه دزد نيست ، ظالم نيست (يعني كلاهبردار)، و زناكار نيست . و وقتي آن باجگير را از دور ديد، اضافه كرد كه مانند آن باجگير هم نيست ! بخش دوم دعايش شامل فهرست مغرورانة كارهاي نيكش مي‌باشد: او فقط سالي يك بار روزه نمي‌گرفت، يعني چيزي كه لاويان 16:29-31 تجويز كرده، بلكه لااقل هفته‌اي دو بار! او نه فقط دهيكِ محصولاتش را طبق تثنيه 14:22-23 مي‌داد، بلكه از آنچه كه واجب بود نيز فراتر رفته، حتي از سبزيجات باغش هم دهيك مي‌داد (لوقا 11:42). در دعاي او هيچ اثري از اعتراف به گناه يا درخواست آمرزش به چشم نمي‌خورد. او از دعايش استفاده كرد تا به سايرين اعلام كند كه چه شخص خوبي است. او چيزي درخواست نكرد، چيزي هم دريافت نكرد (يعقوب 4:2)!

باجگير دور ايستاد، يعني خيلي دورتر از قُدس واقعي در مجموعة معبد. او چشمان خود را پايين انداخته بود، زيرا از مَنِش گناه‌آلود خود شرمسار بود. او به نشانة متهم‌ساختنِ خويشتن و اندوه، به سينة خود مي‌زد. او خود را با ديگران مقايسه نمي‌كرد، بلكه خود را گناهكار خواند. دعاي او فقط شامل اعتراف به گناه و درخواست آمرزش بود. مي‌گفت: «خدايا، بر من گناهكار ترحم فرما.» او عميقاً آگاه بود كه در نظر خدا گناهكار و خطاكار است و شديداً به آمرزش نياز دارد. او گرسنه و تشنة عدالت بود، يعني اينكه خشم خدا عليه گناهش فرو نشيند و مورد پسند او واقع شود.

ج) دو نتيجه. فريسي به خانه رفت در حاليكه هيچ تغييري نكرده بود! مي‌توانست اصلاً در خانه بماند. اما باجگير عادل كرده شد و به خانه رفت. عبارت «عادل كرده شد» يعني اين كه خدا آن باجگير را به ديدة كاملاً عادل مي‌نگريست و اينچنين نيز با او رفتار مي‌كرد. يعني اين كه خدا او را كاملاً بخشيده بود و پذيرفته بود.

2- بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن

كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟

يادداشتها:

الف) زمينة اين مثل در لوقا 18:9 يافت مي‌شود، «و اين مثل را آورد براي بعضي كه بر خود اعتماد مي‌داشتند كه عادل بودند و ديگران را حقير مي‌شمردند.» بنابراين، به احتمال زياد عيسي اين مثل را خطاب به گروهي از فريسيان بيان كرد (لوقا 16:5؛ يوحنا 7:48-49). ايشان كساني بودند كه «اعتماد مي‌داشتند كه عادل بودند»، يعني خود را در نظر خدا عادل مي‌پنداشتند و نتيجتاً تشنه و گرسنة عدالت نبودند. از آنجا كه در نظر خودشان عادل بودند، نيازي به پزشك احساس نمي‌كردند و نيازي نيز به توبه

نمي‌ديدند (لوقا 5:31-32)! بدينسان، هدفي را كه خدا براي ايشان داشت رد مي‌كردند، يعني اين قصد خدا را رد مي‌كردند كه مي‌خواست ايشان از گناهانشان توبه كنند و بخشايش گناهان را بيابند (لوقا 7:30)!

ب) داستان مثل در لوقا 10:18-13 يافت مي‌شود.

ج) توضيح يا كاربردِ مثل در لوقا 14:18 يافت مي‌شود.

3- تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل

تعليم: عيسي براي هيچيك از جزئيات، معناي خاصي قائل نمي‌شود.

4- تشخيص پيام اصلي مثل

بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟

يادداشتها:

مَثَلِ فريسي و باجگير در لوقا 9:18-14 در بارهٔ «فروتني در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد.

پيامِ اصلي اين مثل اين است: «هر كه خود را بر افرازد پست گردد، و هر كس خويشتن را فروتن سازد سرافرازي يابد.»

«فروتني» يكي از خصوصيات اساسي در ملكوت خدا است. شهروندان واقعي ملكوت خدا حالتي متكبر و حق به جانب ندارند و خويشتن را عادل نمي‌شمارند، بلكه در مورد خودشان تصويري واقعي در ذهن دارند و نياز خود را به آمرزش فيض‌آميز خدا صادقانه مي‌پذيرند. ايشان فروتني خود را با اعتراف به گناهانشان ابراز مي‌دارد. خدا نيز تأئيدات خود را با بخشايش گناهان ايشان متجلي مي‌سازد، يعني به ايشان به ديدهٔ افرادي عادل مي‌نگرد. كساني كه با اعترافِ گناهانشان به خدا، تكبر و حالت حق به جانب خود را كنار مي‌گذارند، آمرزش الهي را تجربه خواهند كرد!

5- مقايسهٔ مَثَل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس

قرائت: 1) مزمور 1:14-3؛ 2) مزمور 1:32-5؛ 3) مزمور 1:51-12، 15-17؛ 4) مزمور 103:12؛ 5) اشعيا 38:17؛ 6) اشعيا 43:25؛ 7) اشعيا 44:22؛ 8) ميكاه 7:18-19.

يادداشتها:

1- حتي مطابق عهدعتيق نيز هيچكس عادل نيست، نه حتي يك نفر! هيچكس نيكوكار نيست، نه حتي يك نفر! بنابراين، تصور و حالت آن فريسي كاملاً اشتباه بود (روميان 3:10-12).

2- هر كه از اعتراف به گناهان خود سر باز زند، دچار انواع مشكلات خواهد شد. اما هر كه گناهان خود را تصديق نمايد، خداوند او را مي‌بخشايد و مورد عنايت خود قرار مي‌دهد.

3- اعتراف داود به گناهان خود. خدا از روح شكسته خشنود مي‌شود و دل شكسته و پشيمان را خوار نخواهد شمرد.

4- همانقدر كه مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه خداوند خطاهاي ما را از ما دور ساخته است.

5- خداوند تمامي گناهان ما را پشت سر خود انداخته است.

6- خداوند بخاطر خودش، خطاهاي ما را مي‌زدايد و گناهانمان را ديگر به ياد نمي‌آورد.

7- خداوند تقصيرهاي ما را مانند ابر غليظ و گناهان ما را همچون ابر محو مي‌سازد.

8- كيست خدايي مانند «خداوند» كه عصيان را مي‌آمرزد... و رحمت را دوست مي‌دارد... و جميع گناهان ما را به عمق‌هاي دريا خواهد انداخت.

بطور خلاصه: خدا از شخص فروتن خشنود مي‌شود، از كسي كه طبيعت گناه‌آلود و ضعف‌هاي خود را تصديق مي‌كند، و دلي شكسته و پشيمان دارد، و به گناهان خود اعتراف مي‌كند و در بخشايش الهي (عدالت) شادمان است.

6- خلاصهٔ تعاليم يا درسهاي اصليِ مثل‌هاي مربوط به فروتني در ملكوت خدا

بحث: تعاليم يا درسهاي اصليِ مثَل‌هاي مربوط به فروتني در ملكوت خدا چيست؟

يادداشتها:

الف) خدا چگونه است. همه مردم، خصوصاً انسانهاي گمشده، بايد بدانند كه خدا يا عيسي مسيح چگونه است. از چارچوب و زمينهٔ مثل مي‌آموزيم كه عيسي مسيح فروتن است! او بطور خاص با مردمان محروم جامعه همنشيني مي‌كرد. او دوست باجگيران و گناهكاران بود (لوقا 7:34). اما درضمن ارتباط با اشخاص طبقات بالا را رد نمي‌كرد و از آنها دوري نمي‌گزيد، اشخاصي نظير فريسيان، حتي اگر بسياري از آنان دشمن وي بودند. در متي 11:28-30 عيسي مي‌فرمايد: «بياييد نزد من اي تمام زحمت‌كشان و گرانباران و من شما را آرامي خواهم بخشيد. يوغ مرا بر خود گيريد و از من تعليم يابيد زيرا كه حليم و افتاده‌دل مي‌باشم و در نفوس خود آرامي خواهيد يافت. زيرا يوغ من خفيف است و بار من سبك.» عيسي ما را اندرز مي‌دهد كه نزد او بياييم و از او بياموزيم كه ملايم و فروتن باشيم. اگر مي‌خواهيم تصويري واقعي از خويشتن و از ضعف‌هايمان داشته باشيم، به فروتني نياز داريم. براي اينكه تصديق كنيم كه گرانباريم، به فروتني نياز داريم. براي اينكه بارهايمان را نزد عيسي بياوريم، به فروتني نياز داريم. عملاً اگر بطور مرتب خود را در آينه كلام خدا بنگريم (يعقوب 1:22-25)، اگر بگذاريم كه روح‌القدس ما را به آنچه كه در زندگي‌مان گناه است ملزم سازد و نشان دهد كه چه چيز در نظر خدا

درست است (يوحنا 16:8)، و اگر به عيسي بنگريم و از او بياموزيم كه فروتني چيست (متي 11:29)، آنگاه تصويري واقعي از خويشتن به‌دست خواهيم آورد.

از كاربرد مثل مي‌آموزيم كه خدا متعال و حاكم است: او با متكبران مخالفت مي‌كند اما به فروتنان فيض مي‌بخشد (اول پطرس 5:5-6). آناني كه تقلا مي‌كنند كه در اين زندگي مهم‌ترين جايها را به‌دست آورند و ديگران را از سر راه خود كنار بزنند، در حضور مردم خوار خواهند شد؛ در روز داوري نيز در حضور همه مردم آبروي خود را خواهند باخت. اما آناني كه فروتن مي‌مانند، صرفنظر از اينكه چه مقامي دارند، بر كساني كه تحت مراقبتشان قرار گرفته‌اند سَروَري نمي‌كنند، بلكه خدمتشان مي‌كنند. همچنين مايلند كم‌اهميت‌ترين جايها را اشغال كنند، و وقتي از ايشان خواسته شود، كارهايي را در اين زندگي انجام مي‌دهند كه مورد اشتياق ديگران نيست. در اينصورت، در روز داوري در حضور همة مردم سرافراز خواهند شد.

ب) مسيحيان چگونه بايد باشند. مسيحيان بايد بدانند چگونه بايد باشند. ايشان بايد فروتن باشند! اين مثل تعليم مي‌دهد كه خدا مي‌خواهد ما چگونه باشيم و چه بكنيم. تعليم مي‌دهد كه «هر كه خود را بر افرازد پست گردد، و هر كس خويشتن را فروتن سازد سرافرازي يابد.» فروتني يكي از خصوصيات اساسي ملكوت خدا است! شهروندان واقعي ملكوت خدا براي دستيابي به سمت‌هاي رهبري يا جاهاي بالا تقلا نمي‌كنند، بلكه با فروتني ديگران را از خود بهتر مي‌شمارند. ايشان همان كاري را مي‌كنند كه در فيليپيان 2:3-4 آمده است: «هيچ چيز را از راه تعصب و عُجْب (تكبر) مكنيد، بلكه با فروتني ديگران را از خود بهتر بدانيد. هر يك از شما ملاحظه كارهاي خود را نكند، بلكه هر كدام كارهاي ديگران را نيز.» در عمل، شما فقط زماني ديگران را از خود بهتر مي‌دانيد و خود را فروتن مي‌سازيد كه كاملاً متكي به خدا باشيد، و نقاط قوت و فضايل ديگران را تصديق كنيد و ارج بگذاريد، و ضعف‌ها و اشتباهات خود را تصديق كنيد و بپذيريد، و با دقت به گفته‌هاي طرف مقابلتان گوش دهيد و او را جدي بگيريد و بپذيريد، و سعي كنيد در جهت منافع ديگران كار كنيد، خصوصاً در جهت منافع ملكوت خدا در زندگي ايشان.

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.

براي يك فرد يا يك گروه مثلِ «جاي بالا در ضيافت‌ها» و «فريسي و باجگير» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزمور 37ـ 38ـ 40ـ 49 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد كتاب‌مقدس (روميان 6:13) را مورد تعمق قرار دهيد و حفظ كنيد. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- آمادگي: مطالعة كتاب‌مقدس از روميان 6:1-11. از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.